

# اخلاق، اقتصاد و توسعه

از نظر اخلاقی، نشانه «خلاف عقلانیت» به حساب نیاید. اقتصاد توسعه مورد نظر ما نیازی ندارد که ایده‌های خود را از اقتصاد نئوکلاسیک وام گیرد. باید به سؤالی که پخته پاسخ‌های جدید داد و باید فرضیه‌های جدید مخصوص به خود مطرح کرد. خصوصاً در زمینه‌هایی که ارزش مقایسه دارد: از جمله، زمینه ایجاد توازن بایسته بین نقش نسبی بازار و دولت، بیان بهتر فرآیندهای رشد و تغییر ساختاری، درک روشن‌تر علل نابرابری‌های درآمد و ثروت بین اغنیا و فقرا، در زمینه راه‌های گوناگون برای بهبود وضع اقشار آسیب‌پذیر جامعه.

## ۲- کیمیاگری خصوصی‌سازی:

پرفسور نقوی معتقد است خصوصی‌سازی اقتصاد معجزه نمی‌کند. تجربه کلیه کشورهای تازه صنعتی شده نه تنها نشان از وابستگی زیاد آنها به نیروی بازار جهانی دارد، بلکه حکایت از دخالت و کنترل بسیار گسترده و فراگیر دولت در کلیه شاخه‌های اقتصاد دارد. حتی تعصب کره جنوبی (و برزیل) به افزایش صادرات، به عنوان مدلی ضد لیبرالیسم تلقی می‌شود، چرا که رقابت مکارانه (دامپینگ) در تمامی قسمت‌های بازار، اجبار مصرف‌کننده داخلی به پرداخت بهای بیشتر در مقایسه با مصرف‌کننده خارجی برای یک کالای مشابه بیشتر نوعی مریکانالیسم است تا لیبرالیسم.

نادرستی منطقی تعمیم منافع خصوصی‌سازی در تجربه کشور شیلی خود را به خوبی نشان می‌دهد که خصوصی‌سازی را تا سر حد امکان جلو برد، ولی از نظر اقتصادی چندان موفق نبود. خصوصی‌سازی در شیلی در بازار سرمایه سبب افزایش سطح پس‌انداز و سرمایه‌گذاری نشد و حتی در اوج التهاب خصوصی‌سازی سودآوری صنعتی کاهش یافت.

## ۳- دفاع از آزادی نه و دفاع از برابری و عدالت آری:

پرفسور نقوی معتقد است که دفاع این روزها از آزادی برای استقرار بیش از پیش بازار آزاد است که در آن ملل مختلف از استقلال دورتر به وابستگی نزدیک‌تر شوند. خطر شیوع و تکرار زیاد فلسفه لیبرالیسم از هر چیز دیگری

## ● اقتصاد توسعه و توسعه اقتصادی

پس از نیم قرن برنامه‌ریزی برای توسعه اقتصادی و اجرای هفت برنامه عمرانی در ایران - پنج برنامه قبل از انقلاب و دو برنامه بعد از انقلاب - و پس از نیم قرن که از عمر اقتصاد توسعه در جهان می‌گذرد، متأسفانه اقتصاددانان جهان و از جمله ایران نتوانسته‌اند یک الگوی توسعه اقتصادی معرفی کنند که برای کشورهای جهان سوم به سوی سرمنزل توسعه و رفاه راهگشا باشد. آنچه تا به امروز توصیه شده، نه تنها در عمل موفق نبوده است، بلکه در حیطه بحث‌های نظری نیز به یک اجماع قابل قبول دست پیدا نکرده است.

پرفسور سیدنواب حیدر نقوی در کتاب اقتصاد توسعه یک الگوی جدید استادانه کوشیده است تا علل این ناکامی را توضیح داده پیشنهادهایی برای موفقیت اقتصاد توسعه و توسعه اقتصادی ارائه دهد. مهمترین نکاتی که مورد اشاره وی قرار گرفته است را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد.

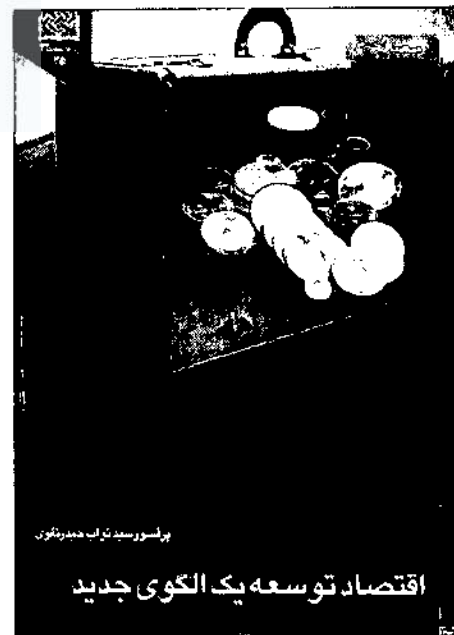
## ۱- همزیستی اخلاق بین اخلاق و اقتصاد توسعه:

اقتصاد توسعه در مرحله بعدی رشدش باید جویای یک همزیستی اخلاق بین اخلاق و اقتصاد باشد تا هم از بی‌خبری طرفداران مکتب جدایی اخلاق از اقتصاد و هم از اخلاقیات مکتب عدم توجه به نتایج، اجتناب ورزد. در چنین تلفیق دلچسبی است که اقتصاد توسعه، باید بر پایه یک فلسفه اقتصادی - اخلاقی نتیجه‌گرا و با معنا استوار شود. این دیدگاه درستی نهادهای اساسی (اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) را بر اساس به‌حد اکثر رسانیدن رفاه محروم‌ترین اقشار جامعه و کاهش خالص تعداد آنان مورد قضاوت قرار می‌دهد. از نظر سیاسی چون دیدگاه مذکور از یک اجماع مردمی (قشر عظیم محرومین) برخوردار می‌شود به این ترتیب فرآیند توسعه برای تحقق ضمانت پیدا می‌کند.

برای رسیدن به این هدف باید اقتصاد توسعه از قالب ضدیت با اخلاق بیرون آورده شود و به طور طبیعی بدون اینکه محتوای علمی‌اش را از دست دهد، جهانی رابه وجود آورد که در آن دیگر «عقلانیت» مترادف و هم‌معنای «نفع شخصی» نباشد، جهانی که در آن ملاحظه‌نفع دیگران

## ● دکتر حسن توانایان فرد

- اقتصاد توسعه یک الگوی جدید
- پرفسور سیدنواب حیدر نقوی
- دکتر حسن توانایان فرد
- پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- اول، ۱۳۷۸



پرفسور سیدنواب حیدر نقوی

اقتصاد توسعه یک الگوی جدید

بیشتر است. و کشورها به دنبال هم در نتیجه تبعیت از لیبرالیسم، دولت رفاه را از بین برده‌اند و بیکاری به بالاترین حد خود رسیده و فاصله میان فقیر و غنی زیاد شده است. کشورهای در حال توسعه که معمولاً مجبور می‌شوند از دخالت دولت جلوگیری کنند و حوزه عملیات را به اصطلاح به دست نامریی (حقوق قانونی) بسپارند، بدترین وضع را دارند.

ما می‌پرسیم که چه اتفاقی در جهان افتاده است که دانشمندان علوم اجتماعی که اساساً اقتصاددانان در این دسته قرار دارند این قدر درباره بیکاری، رنج و مشقت‌انسان و گسترش فاصله بین فقر و غنی بی‌تفاوت هستند؟ همواره پاسخ لیبرالها این است که کارایی زیاد سیاست‌های لیبرالیستی از دید عرضه، رنج و محرومیت فقرا را چیران می‌کند. این استدلال یک مغالطه بیش نیست. اقتصاد توسعه اگر به رنج اجتماعی حساسیت نداشته باشد و اگر صراحتاً به دنبال رفاه اجتماعی نباشد چیزی نخواهد بود.

#### ۴- اقتصاد توسعه نیاز به تحول دارد:

پرفسور نقوی معتقد است که هیچ کشور توسعه‌یافته را نمی‌توان یافت که در گام اول تغییرهای عمیقی در نهاد‌های اجتماعی به خصوص در زمینه توزیع مجدد ثروت و درآمد به وجود نیاورده باشد. این امر در کشورهای سرمایه‌داری و سوسیالیستی صادق بوده است.

از قول کینز این عبارت را نقل می‌کند که نهاد‌های سرمایه‌داری جدید باقی نخواهد ماند مگر این که جوامع سرمایه‌داری تقلیل اساسی در نهاد مالکیت خصوصی و همچنین افزایش نقش دولت در مدیریت اقتصاد را بپذیرد.

علم اقتصاد توسعه نمی‌تواند، با آنچه در جهان واقع می‌گذرد بیگانه باشد، آن طور که متاسفانه قسمت اعظم اقتصاد نئوکلاسیک بیگانه است. جهان واقع پیچیده‌تر از آنست که بتوان با جادوی بازار با آن دست و پنجه نرم کرد. وظیفه توسعه اقتصادی مشکل‌تر از آنست که دست نامریی و خصوصی‌سازی به تنهایی بتواند از پس انجام آن برآید. توسعه اقتصادی باید ساختارها را تغییر دهد به ویژه ساختار مربوط به مالکیت و مهم‌ترین آن مالکیت زمین را. باید قوانین و مقررات ثبت شده در مورد مالکیت خصوصی را که سبب ایجاد فقر مطلق در جامعه می‌شود را با قدرت درهم کوبید. ممکن است تصور شود این کارها مخرب و حتی آف‌شیشستی است ولی نباید ترسید چرا که بزرگ‌ترین پیشرفت‌های تمدن فرآیندهایی است که جوامع رامی‌شکنند و آنها را دوباره می‌سازد.

## قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن

صورت‌بروز نیازهای ضروری، حاجات آنها توسط این نهاد به طور موقت برطرف گردد. حصول چنین اطمینانی‌تأمین خاطر افراد جامعه را که از اهداف سیستم‌های‌تأمین اجتماعی است، گسترش می‌دهد.

یکی دیگر از آثار اجتماعی قرض، کاهش فاصله طبقاتی است. این پدیده که از معضلات اجتماعی محسوب می‌گردد، یاس و ناامیدی را در سطح جامعه پراکنده می‌نماید. این در حالی است که اگر قسمتی از دارائی‌های طبقه پردرآمد به رفع نیازهای ضروری دیگر طبقات اختصاص یابد از شدت فاصله طبقاتی کاسته می‌شود. این مهم از طریق تشکیلات «معاونت قرض الحسنه»<sup>(۱)</sup> در صورت کارآ و فراگیر عمل کردن، قابل حصول است.

اما بررسی آثار اقتصادی قرض الحسنه از طریق تحلیل آثار آن بر متغیرهای اقتصادی میسر می‌گردد. از میان متغیرهای اقتصادی مصرف، پس‌انداز، توزیع درآمد و نقدینگی در این راستا دارای اهمیت ویژه‌ای هستند. همچنین لازم است جهت محدود نمودن موضوع که یکی از مقدمات بحث علمی می‌باشد، فقط یکی از اقسام مختلف قرض الحسنه یعنی «قرض الحسنه مصرفی خصوصی» را در نظر گرفت. بنابراین قرض می‌شود که قرض‌دهنده و قرض‌گیرنده هر دو از بخش غیردولتی بوده و مورد قرض نیز مبلغی است که جهت رفع نیازهای مصرفی به وام‌گیرنده پرداخت شده است.

رفع نیازهای ضروری مصرفی در موقعیت کنونی منجر به خرید کالاهای بادوام مصرفی می‌شود که طبق «نظریه مصرف دائمی فریدمن» تأثیری بر تابع مصرف دائمی نداشته و فقط مخارج مصرفی را بالا می‌برد.<sup>(۲)</sup>

با توجه به همین تحلیل است که می‌توان گفت وجوه قرض گرفته شده از جهت خرد نوعی پس‌انداز فردی محسوب می‌شود، از جهت کلان نیز به دلیل اینکه از اقلام مصرفی نمی‌باشد، نوعی پس‌انداز است که به طرف جریان سرمایه‌گذاری هدایت شده است.

اما در توجیه اقتصادی تأثیر قرض الحسنه بر توزیع درآمد در نگرش کلان باید به نوع تشکیلات قرض الحسنه توجه نمود. از آنجا که صندوق تعاون قرض بین افرادی تشکیل می‌شود که دارای سطح درآمد یکسانی هستند، لذا اثر آن به صورت افقی می‌باشد. در واقع این سیستم باعث می‌شود درآمدی که در هر دوره به طبقات کم‌درآمد اختصاص می‌یابد در اثر تبدیل به کالای بادوام در همان طبقه تثبیت شده و به طبقه دیگر منتقل نگردد. ولی صندوق‌های معاونت قرض الحسنه اثر طولی بر توزیع درآمد دارند، زیرا در این تشکیلات اغنیاء قسمتی از مال خود را جدا کرده و به فقرا اختصاص می‌دهند. البته در صورت استمرار فعالیت این صندوق می‌توان جریان مداوم قسمتی از ثروت اغنیاء به نیازمندان را پیش‌بینی نمود. لذا در هر مقطع زمانی که ملاحظه گردد سهمی از درآمد

■ قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن

■ علی اصغر هادوی نیا

■ مرکز اندیشه جوان

● احمد علی یوسفی

قرض الحسنه به عنوان رفتاری که ناشی از تعالیم مذهبی می‌باشد، از جهت اجتماعی و اقتصادی نیز قابل بررسی است. از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های این رفتار «انگیزه معنوی یا اخروی وام‌دهنده» و «نیازمند بودن قرض‌گیرنده» می‌باشند. این دو رکن اساسی که با توجه به متون دینی یعنی قرآن کریم و روایات و منابع فقهی قابل حصول است، می‌تواند رفتار مزبور را به گونه‌ای تعریف نماید که دارای آثار معین مثبتی باشد. بررسی علمی این آثار در پیشبرد فرهنگ جامعه و هدایت فعالیت‌های کنونی مرتبط با قرض الحسنه مؤثر است و قابلیت را در سطح کلان جهت رفع بسیاری از معضلات به اثبات می‌رساند.

یکی از اثرات اجتماعی این رفتار، تأمین اجتماعی است. در واقع با تحقق این رفتار به صورت کارآ و فراگیر افراد جامعه این اطمینان را پیدا می‌کنند که در